

بررسی رابطه بین نوع مالکیت مرتع و وضعیت بهره‌برداری (با تأکید بر مراتع بیلاقی شهرستان اراک)

معصومه سادات حسینی نسب^{۱*}، حسین بارانی^۲ و قاسمعلی دیانتی تیلکی^۳

۱- نویسنده مسئول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرتع‌داری، دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی، دانشگاه تربیت مدرس

پست الکترونیکی: hosseininasab_ma@yahoo.com

۲- استادیار، گروه مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۳- استادیار گروه مرتع، دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۳/۲۶

چکیده

موضوع نحوه مدیریت سامان‌های عرفی مراتع در طول چند دهه اخیر به یکی از مهمترین معضلات مراتع کشور تبدیل گردیده است. به طوری که عمده‌ترین نظام حاکم بر مدیریت مراتع براساس پروانه چرای یکی از سه شیوه شورایی، مشاعی و افزازی می‌باشد. یکی از راهکارهای اجرایی در زمینه تعادل دام و مرتع و کاهش تخریب مرتع، معرفی واحدهای مطلوب بهره‌برداری از مراتع است. تحقیق حاضر سعی دارد به مقایسه میزان کارایی مالکیت مشاعی، افزازی و شورایی با توجه به متغیرهای مستقل وضعیت مرتع و وضعیت بهره‌برداری از مرتع پردازد و کارآمدترین شیوه از نظر تمایل بهره‌برداران و افزایش کیفیت مرتع را معرفی نماید. در همین زمینه با توجه به اهداف و فرضیات موجود ۱۰۵ پرسشنامه از طریق مصاحبه مستقیم با صاحبان پروانه چرا تکمیل شد. وضعیت مرتع در ۴۱ مرتع نمونه به صورت روش ۴ فاکتوری محاسبه شد. در نهایت وضعیت مراتع کم بهره‌بردار (افزازی) نسبت به مراتع مشاعی بهتر بود. از این رو، شیوه بهره‌برداری شورایی به علت وضعیت ضعیف بهره‌برداری در مراتع این شهرستان توصیه نمی‌شود. بنابراین صرف نظر از معایبی که مالکیت مشاعی می‌تواند داشته باشد، با توجه به کارایی و بالا بودن روحیه مشارکت در بین بهره‌برداران آن، می‌توان با اندکی محافظه‌کاری مالکیت موجود را مناسب‌تر از بقیه موارد دانست و معایب آن را با مدیریت صحیح بهبود بخشید و انگیزه حفظ منابع طبیعی را با برنامه‌های خاص در بین مردم بوجود آورد. با توجه به این که اغلب مراتع به صورت عمومی بهره‌برداری می‌شود، تشکیل تعاونی و واگذاری حق بهره‌برداری به تعاونی‌ها در اولویت مردم است.

واژه‌های کلیدی: مرتع، وضعیت بهره‌برداری، مالکیت مشاعی، مالکیت افزازی، مالکیت شورایی، تعاونی.

مقدمه

قوانین اجتماعی نیز واقع شده است؛ و جوامع براساس پذیرش، شکلی از آن فعالیت‌های اقتصادی خود را سامان داده‌اند (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵). مرتع پایدارترین عامل تولید در دامداری سنتی محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹) و استفاده از آن به‌عنوان

حق مالکیت یکی از مهمترین ابزار برای رسیدن به توسعه پایدار و مدیریت منابع طبیعی و مشوق اعضا برای ادامه مالکیت است (Anwar, 2005). از طرفی این حق از زمان‌های قدیم به‌عنوان یک پدیده فطری مورد تصدیق

بهره‌برداری از منابع، امکان بهره‌مندی افراد را نیز از ثروت‌های طبیعی فراهم کرده است. گرچه انواع مالکیت (خصوصی، دولتی و عمومی) پیش‌بینی شده است، اما منابع طبیعی یا در مالکیت دولت است و یا دولت به‌عنوان نماینده و حافظ منافع عامه مردم، سرپرستی آن را به عهده دارد. به همین دلیل بهره‌برداری از این منابع از انعطاف زیادی برخوردار می‌باشد (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵). مطالعات نشان می‌دهد که طرح‌های مرتع‌داری فردی در بسیاری از جنبه‌های مدیریت بهره‌برداری از قبیل: تصمیم‌گیری، اعتبار، تخصیص منابع، اجرا، ایجاد انگیزه و ارتقا کیفیت، موفق‌تر و پایدارتر از طرح‌های مشاعی و تعاونی است (ازکیا، ۱۳۷۸). عبدالله پور (۱۳۷۶) مشاعی بودن مراتع را شکلی از عدم تعیین تکلیف و عامل همه خرابی‌ها و عدم سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی جهت حفظ، احیا و توسعه می‌داند و اظهار می‌دارد که مشاعی بودن علت اصلی سبقت در تخریب، یعنی چرای زودرس و چرای مفرط نیز می‌باشد. این در حالی است که (Timah et al., 2008) به ارزیابی اثرهای افزایش جمعیت بر حفاظت از منابع طبیعی در روستاهای Noblesse در جنوب کامرون پرداختند و نشان دادند که با وجود افزایش سریع جمعیت، اهالی بومی این مناطق به دلیل وابستگی بالا به منابع طبیعی و کم بودن کشاورزی به حفظ ECOFAC (اکوسیستم جنگلی آفریقای مرکزی) آشنایی دارند و افزایش جمعیت بر روند حفظ منابع طبیعی آسیب وارد نمی‌کند. (Viadrich & Oses-Eraso, 2007 b) در جایی که مالکیت مشاعی به وسیله دو آژانس تعاونی و غیرتعاونی مدیریت می‌شد مدلی ارائه دادند. در این مدل همکاری اجتماعی در مالکیت مشاعی به‌عنوان مکانیسم مثبت مشاهده شد که در تعاونی و مدیریت پایدار منابع

منبع مهم و اصلی تغذیه دام از زمانهای گذشته مرسوم بوده است (Cousins, 2000). از آنجا که بخش مهمی از مراتع در چارچوب نظام سنتی بهره‌برداری می‌گردد (ازکیا، ۱۳۶۵) شناخت دقیق جنبه‌های این نظام در مدیریت و مالکیت مرتع ضروریست (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴).

بنابراین در نظام سنتی (عرفی) ایران مراتع به سه صورت شورایی، مشاعی و افزازی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که در مراتع شورایی، پروانه چرا به نام شورای اسلامی روستا صادر شده است و ساکنین روستا براساس لیست اعضای درج شده در پروانه مرتع‌داری از مراتع حریم روستا بهره می‌برند. مراتع با مالکیت مشاعی، واحدهای اجتماعی با اعضای معین، مرز مشخص، بهره‌برداری مشترک، تعامل بین اعضا و وجود فرهنگ استفاده مشترک بین اعضا تعریف می‌شود (Bromley, 1991). در این گونه از مراتع یورت‌های جداگانه و خاصی برای هر واحد بهره‌برداری وجود ندارد (پاپلی‌یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹) و گله به صورت مشترک چرا داده می‌شود (Kissling et al., 2002). مرتع افزاز مراتع تحدید حدودشده‌ای می‌باشد که معمولاً تک‌پروانه‌ای هستند و تعداد بهره‌بردار آن از یک تا چند، متغیر می‌باشد. این مراتع جز انفال محسوب شده و شخص استفاده کننده حق فروش ندارد. افراد حق بهره‌برداری در حد قابل قبول از نظر اجتماعی را داشته و موظف به دوری از بهره‌برداری‌های غیرمجاز می‌باشند و سایرین مکلف به رعایت حقوق افراد هستند (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵). در نظام اقتصادی اسلام با بهره‌مندی از وحی از همان ابتدا با به رسمیت شناختن حقوق مالکیت افراد در کنار مالکیت دولتی و مالکیت عمومی، ضمن تقویت حاکمیت دولت در اجرای سیاست‌های پایدار در

روش دادن پروانه چرای مشاعی را بهترین روش حق بهره‌برداری از مرتع حریم روستایی بیان کرده است. به طور کلی یکی از سیاست‌های اجرایی در زمینه تعادل دام و مرتع و کاهش تخریب مرتع، شناخت واحدهای مطلوب بهره‌برداری از مراتع است. مسلم است که هرچه تعداد بهره‌بردار و دام کمتر باشد اجرای طرح‌های بهبود وضعیت مرتع آسان‌تر می‌باشد. اما با توجه به آن که شکل مالکیت سامان عرفی شورایی و مشاعی رایج‌ترین مالکیت در مراتع شهرستان اراک است؛ مطالعه حاضر در نظر دارد شکل مالکیتی که حفاظت بیشتر مراتع و دستیابی به توسعه پایدار منابع را در برگیرد، مشخص نماید.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

جامعه آماری تحقیق حاضر، مراتع شهرستان اراک می‌باشد که به دلیل حضور سه حالت بهره‌برداری سنتی در مجاور یکدیگر انتخاب شد. به طوری که مراتع این منطقه با وسعتی معادل ۳۰۴۸۶۴ هکتار بین 49° - 50° شرقی و 33° - 34° شمالی قرار دارد. ارتفاع متوسط آن ۲۲۰۰ متر از سطح دریا و بیشتر به صورت تپه ماهور می‌باشد. از گیاهان غالب منطقه می‌توان گونه‌های *Noaea Stipa* *Achilla Alhaji Bromus tectorum mucronata* *Thymus* و *Sentaura* را نام برد. مراتع دارای اقلیم نیمه‌خشک و متوسط و میزان بارندگی سالانه ۲۶۰ میلی‌متر می‌باشد.

روش بررسی

پژوهش کاربردی حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به ارزشیابی مراتع نمونه پرداخته است. بدین منظور از پرسشنامه استفاده شده است. به طوری که جامعه آماری

طبیعی اثر داشت. (Adhikari et al., 2004) ارتباط بین مشخصات خانواده‌های روستایی و وابستگی آن به مدیریت مالکیت مشاعی جنگل در نپال را مورد بررسی قرار دادند. مدیریت مالکیت مشاعی را به‌عنوان یکی از عملکردهای مستدام برای کاهش فقر می‌دانند. (Maggs & Hoddinott, 1999) در بررسی درآمد خانوارهای روستایی در کشورهای توسعه‌نیافته مالکیت مشاعی را منبع درآمد خانواده‌های روستایی معرفی کردند و نشان دادند که فرض مدل تک بهره‌بردار به‌عنوان اداره‌کننده مرتع سبب اثرهای زیان‌بار می‌شود. (Netting 1976) سیستم مدیریت در مراتع و علفزارهای روستای Vallaye در Torbel (مرتع آلپ) را مورد مطالعه قرار داد و نشان داد که مالکیت عمومی در این مناطق سابقه هرج و مرج ندارد و می‌توان آن را به‌عنوان مدیریت پایدار در نظر گرفت. نورعینی (۱۳۸۵) نشان داد بهره‌برداران، واگذاری مراتع در قالب طرح مرتع‌داری مشاع را نسبت به حالت تفکیکی ترجیح می‌دهند. این امر نشان می‌دهد که بهره‌برداران همچنان به نظارت دولت و کارشناسان نسبت به مسائل دامداری معتقدند و تمایل دارند تابع مراجع دولتی باشند. ایشان عامل پذیرش بهتر طرح مرتع‌داری مشاعی را وجود نسبت‌های فامیلی و قومی در نزد دامداران می‌داند. باژیان (۱۳۷۴) بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی از دیدگاه دامداران روستایی در استان فارس را بررسی کرد. ایشان بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع را واگذاری قطعی به صورت تفکیکی بیان می‌کند و علت این انتخاب را انگیزه قوی مالکیت در حفاظت و احیای مراتع می‌داند. شناسایی وضعیت موجود و به رسمیت شناختن بهره‌برداران فعلی و

داده‌ها از آزمون‌های کروسکال‌والیس، کندال تائو بهره‌گیری شده است. شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر در قالب شاخص‌های کمی و کیفی مدیریت مرتع مورد بررسی و ارزشیابی قرار گرفته است. بنابراین به منظور بررسی رابطه بین نظام‌های حق بهره‌برداری موجود با وضعیت مرتع به مطالعه مراتع هر سامان پرداخته شد (Jun Li et al., 2007). مطالعات وضعیت مرتع براساس روش پیشنهادی سازمان جنگل‌بانی آمریکا (چهار فاکتور) که نمرات آن تعدیل شده است، مورد ارزیابی قرار گرفت.

پژوهش، ۴۱ مرتع شهرستان اراک می‌باشد که به شیوه سهمیه‌بندی، بین مالکیت‌های مختلف توزیع شد. با استفاده از فرمول شارپ و کوکران براساس اندازه جمعیت کل، حجم نمونه ۱۰۵ نفر تعیین شد (جدول ۱). در مراتع شورایی حداقل با دو تن از مسئولان شورای روستا و در مراتع مشاعی با ۲-۳ بهره‌بردار صاحب پروانه چرا مصاحبه شد. در بخش آمار توصیفی به منظور بیان ویژگی‌های فردی و شرایط موجود از آمارهایی همچون فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. به نحوی که در بخش تحلیل

جدول ۱- توزیع فراوانی انواع مالکیت و تعداد اعضای آن در جامعه آماری تحقیق

نوع مالکیت	فراوانی	تعداد اعضا	درصد
افراز	۷	۱۸	۱۴/۶۳
مشاع	۱۰	۲۵	۲۱/۹۵
شورایی	۲۴	۶۲	۶۳/۴۲
جمع	۴۱	۱۰۵	۱۰۰

جدول ۲- وضعیت تعداد بهره‌برداران و تعداد دام (درصد)

متغیر	طبقه‌بندی	افرازی	مشاعی	شورایی	جمع
تعداد بهره‌بردار (نفر)	۵-۱	۵۷/۳	۲۰	۰	۱۴/۷
	۱۵-۶	۴۲/۷	۲۰	۸/۵	۱۷/۱
	۴۰-۱۶	۰	۰	۲۵	۱۴/۶
	۱۰۰-۴۱	۰	۳۰	۵۴	۳۹
	۱۰۰<	۰	۳۰	۱۲/۵	۱۴/۶
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
تعداد دام (واحددامی)	کمتر از ۱۰۰۰	۵۷/۵	۳۰	۱۲/۵	۲۴/۵
	۲۵۰۰-۱۰۰۰	۴۲/۵	۲۰	۲۹/۵	۲۹/۵
	۵۰۰۰-۲۵۰۱	۰	۲۱	۴۱/۵	۲۹
	بیش از ۵۰۰۰	۰	۲۹	۱۶/۵	۱۷
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

تعداد بهره‌بردار: سطح معنی‌داری محاسبه شده براساس آزمون کروسکال والیس = ۰/۰۰۰

تعداد دام: سطح معنی‌داری محاسبه شده براساس آزمون کروسکال والیس = ۰/۰۰۲

نتایج

اندازه‌گیری کمی بهره‌برداری از مرتع

تعداد بهره‌برداران و تعداد دام سامان‌های عرفی

براساس جدول ۲، در مراتع افزایش شهرستان اراک بیش از ۱۵ بهره‌بردار وجود ندارد و تعداد دام موجود در این مراتع از ۲۵۰۰ رأس دام بیشتر نیست. با این حال، در مراتع مشاع و شورایی تا بیش از ۱۰۰ بهره‌بردار وجود دارد و تعداد دام این گروه به بیش از ۵۰۰۰ رأس دام نیز می‌رسد. معمولاً دام‌های هر سامان براساس تعداد به گله‌های ۳۰۰ تا ۷۰۰ رأسی تقسیم شده است. نتیجه آزمون تطبیقی کروسکال والیس بیانگر آن است که بین تعداد بهره‌بردار و تعداد دام در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به کم بودن نسبت دام و بهره‌بردار در مراتع افزایش نسبت به شورایی و مشاعی، انتظار می‌رود انتخاب

مرتع افزایش شده به‌عنوان واحد بهره‌برداری مرتع مورد استقبال بهره‌برداران واقع شود. برای محاسبه دقیق‌تر مسئله بر آن شدیم که با استفاده از اندازه‌گیری‌های کمی و کیفی این مسئله را بررسی کنیم.

وضعیت مرتع

براساس جدول ۳، در مراتع افزایش وضعیت فقیر و خیلی فقیر به دست نیامد. با این حال مرتع با وضعیت عالی نیز در هیچ کدام از شیوه‌های بهره‌برداری مشاهده نشد. با این که در مراتع شورایی وضعیت متوسط مرتع بیشتر از مراتع افزایش است، اما آزمون کندال تاو بین سه حالت بهره‌برداری تفاوت معنی‌داری ثبت کرد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی کندال تاو حکایت از آن دارد که بین وضعیت مرتع و انواع مالکیت رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

جدول ۳ - رابطه وضعیت مرتع و انواع مالکیت

متغیر	امتیاز	افزایش	مشاعی	شورایی	جمع (درصد)
خیلی فقیر	۰	۰	۱	۱	۴/۹
فقیر	۰	۰	۴	۱۶	۴۸/۸
متوسط	۵	۵	۳	۸	۳۹
خوب	۱	۱	۱	۱	۷/۳
عالی	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۶	۶	۹	۲۶	۱۰۰

جدول ۴ - رابطه وضعیت مرتع و انواع مالکیت

نوع مالکیت	میانگین وضعیت مرتع	نتیجه آزمون
افزایش	۳۳/۲۹	A
مشاع	۲۸/۴	AB
شورایی	۲۶/۳۸	B

سطح معنی‌داری محاسبه شده براساس آزمون کندال تاو ($t = -2/58$) و $p = 0/01$

t ضریب همبستگی کندال تاو، * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵، ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

اندازه‌گیری کیفی وضعیت بهره‌برداری از مرتع

با توجه به اینکه مساحت بزرگی از مراتع شهرستان اراک به صورت عمومی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، به منظور شناسایی امکان تقسیم سامان‌های عرفی به

واحدهای مستقل بهره‌برداری کوچکتر، سؤالاتی در قالب طیف لیکرت طراحی شد تا میزان تمایل بهره‌برداران به تفکیک مراتع شناسایی شود.

جدول ۵ - حفظ مرتع در برابر بیگانه

متغیر مستقل	امتیاز	افراز	مشاع	شورایی	درصد	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری
در بهره‌برداری مشاع نگره‌داری مرتع در برابر معترضان آسانتر است.	هیچ	۰	۳	۱۷	۱۹,۰۵	۲,۹۲	۰,۸۲۸
	کم	۰	۸	۲۳	۲۹,۵۲		
	نظری ندارم	۰	۹	۱۵	۲۲,۸۶		
	بله	۴	۸	۸	۱۹,۰۵		
	خیلی زیاد	۵	۰	۵	۹,۵۲		
	جمع	۹	۲۸	۶۸	۱۰۰,۰۰		

جدول ۶ - عدم امکان تفکیک مرتع از مشاع به انفرادی، بدلیل اشتراک آبشخوار

متغیر مستقل	امتیاز	افراز a	مشاع b	شورایی a	درصد	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری
تفکیک مرتع از مشاع به انفرادی بدلیل اشتراک آبشخوار امکان‌پذیر نیست.	هیچ	۳	۲	۱۲	۱۶,۱۹	۳,۵۴	۰,۰۰۱
	کم	۱	۰	۲	۲,۸۶		
	نظری ندارم	۳	۳	۲۰	۲۴,۷۶		
	بله	۰	۵	۱۹	۲۲,۸۶		
	خیلی زیاد	۲	۱۸	۱۵	۳۳,۳۳		
	جمع	۹	۲۸	۶۸	۱۰۰,۰۰		

در بهره‌برداری مشاع نگره‌داری مرتع در برابر معترضان آسانتر است.

در عین حال، در بین بهره‌برداران احترام به سامان عرفی و مرز بین سامان‌ها مرسوم است، به‌طوری‌که تعرض به مرتع همسایه غیرقابل انکار است. البته بخش دیگری از اختلافات روستایی مربوط به روستاهای همجوار است که تجاوزاتی نسبت به حریم سامان یکدیگر دارند. به‌نحوی که مراتع افراز شده نیز از این تعرض در امان نبوده و ۱۰۰٪ آنان معتقدند که در برابر

حفظ حریم مراتع مشاعی موفق‌تر عمل نموده‌اند. بنابراین بین شیوه‌های مختلف بهره‌برداری در این زمینه اختلاف معنی‌داری وجود ندارد.

تفکیک مراتع به دلیل اشتراک آبشخوار امکان‌پذیر نیست.

یکی از موارد مهمی که در تفکیک مرتع باید در نظر گرفته شود، توزیع عادلانه آب در همه زیر سامان‌هاست. بهره‌برداران مراتع شورایی و مشاعی کاملاً به این امر آگاهی دارند. با این حال بین شیوه‌های مختلف

اختصاصی کاملاً راضی بوده و اجرای این روش را در تفکیک مراتع عامل محدودکننده به شمار نمی‌آورند.

بهره‌برداری در پاسخ به این مورد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. به نظر می‌رسد بهره‌بردارانی که مراتع آنان افزاز شده است از مزایای داشتن سیستم آبرسانی

جدول ۷- عدم امکان تفکیک مرتع به دلیل اشتراک آغل، گله و جایگاه

متغیر مستقل	امتیاز	افراز b	مشاع ab	شورایی a	درصد	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری
تفکیک مرتع به دلیل اشتراک آغل، گله و جایگاه امکان‌پذیر نیست.	هیچ	۰	۱۱	۱۶	۲۵,۷۱	۲,۷۹	۰,۰۲۷
	کم	۱	۰	۱۴	۱۴,۲۹		
	نظری ندارم	۳	۳	۲۹	۳۳,۳۳		
	بله	۳	۳	۳	۸,۵۷		
	خیلی زیاد	۲	۱۱	۶	۱۸,۱۰		
	جمع	۹	۲۸	۶۸	۱۰۰,۰۰		

گله‌ها نیز می‌شود. به طوری که بین شیوه‌های مختلف بهره‌برداری و این متغیر اختلاف معنی‌داری ثبت شده است.

به این شکل از بهره‌برداری عادت کرده‌ایم و تغییر آن را به صلاح نمی‌دانیم.

نتایج نشان می‌دهد که بهره‌برداران در شیوه‌های مختلف مالکیت به شکل بهره‌برداری موجود عادت کرده و تمایل به تغییر این شیوه ندارند. بنابراین بین شیوه‌های مختلف بهره‌برداری در پاسخ به این مورد اختلاف معنی‌داری وجود ندارد.

تفکیک مرتع به دلیل اشتراک آغل، گله و جایگاه امکان‌پذیر نیست.

با توجه به وسعت مراتع مشاعی، بهره‌برداران به منظور کاهش صدمه به مرتع و افزایش راندمان دام، اقدام به ساخت پناهگاه و آغل‌هایی در مراتع نموده‌اند، این پناهگاه‌ها متعلق به همه بهره‌برداران بوده و تفکیک و انحصاری کردن آن برای گروه خاص مشکل می‌باشد. از طرفی بهره‌برداران دام‌های خود را به صورت گله مشترک به چرا می‌فرستند که این مسئله سبب کاهش رقابت بین

جدول ۸- عادت به شیوه بهره‌برداری حاضر

متغیر مستقل	امتیاز	افراز	مشاع	شورایی	درصد	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری
به این شکل از بهره‌برداری عادت کرده‌ایم و تغییر آن را به صلاح نمی‌دانیم.	هیچ	۲	۳	۹	۱۳,۳۳	۴,۰۸	۰,۷۶۹
	کم	۰	۰	۰	۰,۰۰		
	نظری ندارم	۰	۰	۲	۱,۹۰		
	بله	۲	۱۰	۲۵	۳۵,۲۴		
	خیلی زیاد	۵	۱۵	۳۲	۴۹,۵۲		
	جمع	۹	۲۸	۶۸	۱۰۰,۰۰		

میزان مشارکت و همکاری درون گروهی

در ارتباط با میزان احترام به سامان عرفی و رعایت حق و حقوق، ۷۳/۲ درصد از مراتع را تجاوز به سامان عرفی گزارش کردند. به منظور ارزیابی میزان انگیزه افراد در رفع این مشکل، گویه مربوط براساس طیف لیکرت آورده شده است ("تا چه اندازه در این روستا، بین بهره‌برداران به منظور رفع تعرض به سامان عرفی،

مشارکت و همکاری وجود دارد؟")؛ به طوری که بین شیوه‌های مختلف بهره‌برداری در پاسخ به این مورد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. همچنین به منظور حل این مشکل، ۱۴ درصد مراتع افزایشی، ۱۰ درصد مراتع مشاعی و ۱۶ درصد مراتع شورایی دارای قربان بودند. به نحوی که در کل ۱۴/۵ درصد از مراتع از قربان استفاده می‌کردند.

جدول ۹ - استفاده از قربان

متغیر	افراز	مشاع	شورایی	درصد
استفاده از قربان	۱	۱	۴	۱۴/۶
تعداد کل مراتع	۷	۱۰	۲۴	۱۰۰

جدول ۱۰ - میزان مشارکت و همکاری اعضا در جلوگیری از تعرض

متغیر	امتیاز	افراز b	مشاع a	شورایی a	درصد	میانگین	انحراف معیار
تجاوز به سامان عرفی	هیچ	۵	۱۴	۹	۲۶,۶۷	۲,۷	۰,۰۰۶
	کم	۲	۵	۱۶	۲۱,۹۰		
	متوسط	۱	۳	۲۰	۲۲,۸۶		
	زیاد	۱	۶	۱۱	۱۷,۱۴		
	خیلی زیاد	۰	۰	۱۲	۱۱,۴۳		
	جمع	۹	۲۸	۶۸	۱۰۰		
مشارکت و همکاری بهره‌برداران در جلوگیری از تعرض	هیچ	۰	۰	۰	۰	۳,۴۸	۰,۰۰۷
	کم	۰	۵	۶	۱۰,۴۷		
	متوسط	۰	۶	۳۱	۳۵,۲۳		
	خوب	۷	۱۷	۲۸	۴۹,۵۴		
	خیلی خوب	۲	۰	۳	۴,۷۶		
	جمع	۹	۲۸	۶۸	۱۰۰		

تعیین شکل مناسب بهره‌برداری از مرتع

به منظور تعیین واحد مناسب بهره‌برداری برای اجرای طرح‌های بهبود و اصلاح مراتع، لازم است مجریان طرح

مشخص باشند و از آن جا که در مراتع مشاعی و شورایی تعداد بهره‌بردار زیاد می‌باشد، سؤالی با این مضمون تهیه شد که شکل مناسب بهره‌برداری از مرتع به منظور اخذ

کاهش تعداد افراد صاحب پروانه در مراتع مشاعی، (اعطای طرح به شورای روستا یا ریش سفید روستا) انتخاب بهره‌برداران به صورت زیر (جدول ۱۱) بود.

طرح مرتعداری به چه صورت باید باشد؟ تفکیک مرتع (تعیین حدود برای اجرای طرح‌های مرتعداری)؛ تشکیل شرکت تعاونی (به منظور واگذاری طرح‌ها به تعاونی)؛

جدول ۱۱- انتخاب شکل مناسب بهره‌برداری از مرتع براساس نظر بهره‌برداران طبق آزمون کروسکال والیس

شماره	متغیر	تعداد انتخاب‌ها	میانگین رتبه‌ها
۱	تشکیل شرکت تعاونی	۵۰	۵۸,۳۸
۲	کاهش تعداد افراد صاحب پروانه	۲۴	۵۰,۷۳
۳	اعطای طرح به شورای روستا	۱۲	۴۹,۹۶
۴	تفکیک مرتع (تعیین حدود)	۱۹	۴۳,۸۹
۵	جمع	۱۰۵	۲,۵۶

بحث

بررسی وضعیت بهره‌برداران از مراتع

سیستم‌های مدیریتی مورد مطالعه را گزارش کرده است، همخوانی دارد.

به طور کلی در مالکیت‌های بررسی شده، ۵۳٪ از سامان عرفی مورد مطالعه بیش از ۴۰ بهره‌بردار دارد. در این آمارگیری تعداد افراد فاقد پروانه چرا یا افرادی که اسمشان در سیاهه پروانه نیست، در نظر گرفته نشده است. با توجه به نتایج آمار توصیفی ذکر شده می‌توان بیان داشت که مدیریت مراتع مورد مطالعه در یک وضعیت بحرانی قرار دارد. هر چه تعداد بهره‌بردار در منطقه بالا باشد، می‌تواند تراکم دام را در واحد سطح افزایش دهد و منجر به تخریب روزافزون مراتع گردد. به طوری که دام غیرمجاز و بیش از ظرفیت مرتع عامل مخرب و نابودکننده مراتع است و دامدار غیرمجاز بدلیل عدم مسئولیت‌پذیری خاص در محدوده چرای روند تخریب مرتع را تشدید می‌کند. به طور کلی با توجه به نتایج ارائه شده می‌توان گفت در هیچ کدام از مالکیت‌های مورد تحقیق تعادل دام و مرتع و مدیریت مراتع وضعیت مطلوب ندارد. از این رو، با نتایج (Agrawal, 2001) که عدم تعادل دام در

بررسی وضعیت مراتع مورد بهره‌برداری

در این تحقیق با توجه به نتایج ارائه شده ۵۰ درصد از مراتع مورد مطالعه وضعیت فقیر تا خیلی فقیر، ۴۰ درصد وضعیت متوسط و کمتر از ۱۰ درصد از مراتع وضعیت متوسط داشتند. در مراتع مورد مطالعه مرتع با وضعیت عالی وجود نداشت. به طوری که نوع مالکیت و شیوه بهره‌برداری می‌تواند نقش عمده‌ای در روند وضعیت مرتع داشته باشد که نتایج بدست آمده این یافته را تأیید می‌کند. به طوری که مشاهده می‌شود وضعیت مرتع در افراز بهتر از دیگر حالتهاست. این نتایج با اظهارات باژیان (۱۳۷۴) همخوانی دارد. با اطمینان ۹۵٪ می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هر چه مراتع به سمت شورایی پیش می‌رود وضعیت مرتع فقیرتر می‌شود و نوع مدیریت مرتع در بهبود و تضعیف وضعیت مرتع اثر قوی می‌گذارد، این استدلال با نتایج (Timah et al., 2008) که نوع مالکیت و

گله‌ها را کاهش داده و از تخریب مرتع می‌کاهد. احمدی (۱۳۸۲) نیز با بیان این‌که یکی از شیوه‌های مدیریت مرتع کاهش تعداد سر گله‌ها و تشکیل گله مشترک می‌باشد که با نتایج این تحقیق هماهنگی دارد.

۸۵ درصد از بهره‌برداران اعلام کردند که به این شیوه از بهره‌برداری عادت کرده‌اند. (Quinn et al., 2007) نیز به همین نتیجه رسیدند. این مسئله به طور نزدیکی با نتایج فراهانی‌فرد و صادقی (۱۳۸۵) که اظهار می‌کنند در مالکیت مشاعی بهره‌برداران، مدیریت را به صورت گروهی ترجیح داده و نسبت به بهره‌برداری از منابع، دارای حق و امتیازاتی می‌باشند، همخوانی دارد. به طوری که بالا رفتن هزینه، نبود شرایط رقابت کامل، از طرفی بکارگیری شیوه بهره‌برداری خصوصی از منابع طبیعی با انحصار، استثمار و توزیع ناعادلانه ثروت همراه بوده است (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵).

بررسی میزان مشارکت و همکاری بین اعضا

یکی از خصوصیات بارز روستاییان داشتن روحیه بالای همکاری بین اعضای گروه است. بعضی بهره‌برداری اشتراکی را نشان تکامل فرهنگ تعاونی نزد ایرانیان می‌دانند (فرهادی، ۱۳۷۶). نتیجه بررسی نشان می‌دهد که میزان مشارکت بهره‌برداران در مالکیت افزای بیش از دیگر مالکیت‌هاست. به طوری که نتایج این مطالعه با نتایج (Viadrlich & Oses-Eraso, 2007a) که بیان می‌دارد میزان آمادگی بهره‌برداران برای مشارکت در مالکیت افزای بیش از سایر مالکیت‌هاست، همخوانی دارد. همچنین با اظهارات خلیقی و قاسمی (۱۳۸۳) که بیان می‌کند هرچه مالکیت فردی به سوی مالکیت تعاونی یا گروهی پیش برود میزان مشارکت افراد کمتر می‌شود

شیوه بهره‌برداری را در روند وضعیت مراتع مؤثر دانسته است همخوانی دارد. همچنین نتایج نشان داد بین انواع مالکیت و وضعیت مرتع رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد (جدول ۴). مدیریت افزای بدلیل اینکه تعداد بهره‌بردار کمتر و مدیریت جامع‌تر و رقابت کمتری وجود دارد، بهترین وضعیت را در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری دارا می‌باشد، در حالی که شیوه بهره‌برداری مشاعی و شورایی در رده‌های بعد قرار می‌گیرند.

بررسی میزان تمایل بهره‌برداران به مالکیت مشاعی

۲۸/۵ درصد از بهره‌برداران اعلام کردند که در حالت مشاع نگه‌داری مرتع در برابر بیگانگان راحت‌تر است، با توجه به این‌که در صورت تفکیک مرتع نیاز به تحدید حدود و در بعضی موارد فنس‌کشی می‌باشد و این مسئله هزینه‌بر است، به نحوی که بهره‌برداران تمایل زیادی به تفکیک مرتع از خود نشان نمی‌دهند. به طوری که با نتایج (Jun Li et al., 2007) که اعلام می‌کنند به منظور خصوصی‌سازی مالکیت نیاز است که برای هر پارسل واگذار شده تحدید حدود و حصاربندی شود، تقریباً بیش از ۹۰ درصد بهره‌برداران قادر به فنس‌کشی مرتع خود نیستند، همخوانی دارد.

۵۶ درصد از بهره‌برداران مالکیت مشاعی را به دلیل اشتراک آب/آبشخوار ترجیح دادند، که با اظهارات Jun li (2007) که بیان می‌دارد، توزیع مناسب مراتع درجه یک و منابع آب با توجه به موقعیت مختلف جغرافیایی کار آسانی نیست، تطابق دارد. ۲۶/۵ درصد از بهره‌برداران مالکیت مشاعی را به دلیل داشتن آغل و یا گله مشترک ترجیح می‌دهند. به نحوی که وجود گله مشترک رقابت بین

در مراتع حریم می‌باشد. اما نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این نوع مدیریت نیز مشکلات خاص خود را دارد. به طوری که به نظر می‌رسد با توجه به ضعف بودن عملکرد شورای روستا در این مورد و تعداد زیاد بهره‌بردار این سیاست نیز ره به جایی نبرده و تخریب مراتع را شدت بخشید، به طوری که در این تحقیق مالکیت شورایی رد می‌گردد. بنابراین نمی‌توان از مالکیت شورایی به عنوان شیوه‌ای که هم در بهبود وضعیت بهره‌برداران نقش داشته باشد و هم حفظ اصل منابع را در پی داشته باشد، امیدوار بود و آنرا ضامن توسعه پایدار منابع طبیعی دانست.

نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر این مسئله است که حدود یک چهارم مدیریت در منطقه مالکیت مشاعی است و صرف نظر از معایبی که این مالکیت می‌تواند داشته باشد، باید توجه داشت مردم بومی برای تغییر وضعیت موجود انعطاف کمتری از خود نشان می‌دهند و به دلیل خصوصیات خاص اجتماعی خود ریسک‌پذیری کمتری دارند و به سختی مدیریت جدید را می‌توان به آنها تحمیل نمود. اما این نکته را نیز باید در نظر داشت که در مالکیت مشاعی وضعیت مراتع از شورایی بهتر و تخریب کمتری نسبت به شورایی دارد. می‌توان با اندکی محافظه‌کاری به دلیل شرایط خاص منطقه مالکیت موجود را مناسبتر از بقیه موارد دانست و معایب آن را با مدیریت صحیح بهبود بخشید و انگیزه حفظ منابع را با برنامه‌های خاص در بین مردم بوجود آورد.

بنابراین ذکر موارد فوق بیانگر این نیست که مالکیت افزایی شیوه نامناسبی است، بلکه تغییر رویه مدیریت نیاز به ابزارهای خاص خود را دارد و چنانچه قصد گسترش این نوع مالکیت در منطقه وجود دارد، باید هزینه‌های خاص آن را پرداخت نمود؛ به طوری که لازمه آن مدیریت

همخوانی دارد. با این حال، بیش از ۴۵٪ از بهره‌برداران مشاعی و شورایی نیز مشارکت و همکاری در بین گروه خود را تأیید کردند. (Viadrich & Oses-Eraso, 2007b) نیز معتقدند که همکاری در بین گروه‌ها علاوه بر این که سبب پذیرش مالکیت مشاع می‌شود، در نهایت منابع طبیعی را به سمت مدیریت پایدار سوق می‌دهد، همخوانی دارد.

تعیین شکل مناسب بهره‌برداری از مرتع

تعاونی به عنوان یک نظام مشارکتی در مناطقی تشکیل می‌گردد که به علت مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امکان اجرای سایر نظام‌های بهره‌برداری به شیوه‌های دولتی و خصوصی میسر نمی‌باشد. در این نظام حق بهره‌برداری از عرصه‌ها برای مدتی معین براساس کتابچه طرح به بومیان و ساکنین منطقه مورد نظر براساس فروش سهام واگذار می‌گردد و مردم موظفند ضمن بهره‌برداری اصولی اقدام به حفظ، احیاء، اصلاح و توسعه عرصه‌های منابع طبیعی نمایند. همچنین وظیفه دارند کلیه عوامل تخریب را تحت کنترل درآورند مانند تعاونی‌های جنگل‌داری، مرتع‌داری، بهره‌برداری از محصولات فرعی و مرتعی و جنگلی و... (شفقتی و حسینی، ۱۳۸۵). ۴۷/۵٪ از بهره‌برداران به شکل تعاونی در خرده نظام خود موافق بودند.

نتیجه‌گیری

مقایسه وضعیت بهره‌برداری در مالکیت‌های مختلف نشان می‌دهد که مالکیت افزایی که مورد توجه مدیریت منابع طبیعی است، در خیلی موارد تفاوت معنی‌داری با گروه‌های دیگر ندارد. یکی از سیاست‌های سازمان جنگل‌ها مبنی بر واگذاری پروانه چرای به شورای روستا

بازیان، غ. ر.، ۱۳۷۴. بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی از دیدگاه دامداران روستایی، مجله پژوهش و سازندگی، شماره ۲۷، ۵۲-۵۷.

پاپلی یزدی، م.ح.، لباف خانیکی، م.، ۱۳۷۹. مرتع نظام‌های بهره‌برداری، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵، پیاپی ۵۶-۵۷.

خلیقی، ن. و قاسمی، ت.م.ح.، ۱۳۸۳. بررسی تأثیر مسائل اقتصادی- اجتماعی بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتع‌داری (شمال استان گلستان)، علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۱، شماره ۱. ۱۸۱-۱۹۰.

شفقتی، م. و حسینی، س.ا.، ۱۳۸۵. نقش عوامل اجتماعی- اقتصادی در جلب مشارکت‌های بهره‌برداران و در توسعه منابع طبیعی، همایش منابع طبیعی و توسعه پایدار در عرصه جنوبی دریای خزر، ص ۱۰۹-۱۱۴.

عبدالله پور، م.، ۱۳۷۶. چرا و چگونه باید زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی را در مرتع فراهم نمود. مجموعه مقالات اولین سمینار مرتع و مرتع‌داری در ایران، سازمان جنگلها و مراتع کشور- دانشگاه صنعتی اصفهان.

فراهانی فرد، س.، ۱۳۸۴. سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، پایان نامه دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

فراهانی فرد، س. و صادقی، ح.، ۱۳۸۵. ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره‌برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی). فصلنامه پژوهشهای اقتصادی- سال ۶، شماره ۴.

فرهادی، م.، ۱۳۷۶. فرهنگ یاریگری در ایران، جلد اول یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی. چاپ دوم، تهران ۴۳۲ ص.

- نورعینی، ح.، ۱۳۸۵. بررسی برخی عوامل مدیریت چرا در مراتع بیلاقی دو هزار تنکابن، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی مرتع‌داری، دانشگاه گرگان، ۷۰ ص.

-Adhikari, B., Difalco, S.C. and Lovett, J., 2004. Household Characteristics and Forest Dependency. Evidence from Common Property Forest Management in Nepal. Ecological Economics 48, 245-257 pp.

صحيح و نظارت دقیق بخش دولتی بر این شیوه بهره‌برداری، تحدید حدود مراتع و حل مشکلات خاص اجتماعی اقتصادی همچون حصارکشی، تقسیم مناطق پر آب و علف به طور منصفانه، قرار گرفتن آبشخوار در هر سامان عرفی و ... می‌باشد، که در صورت برطرف شدن این موانع می‌توان به مدیریت افراز در منطقه امید داشت.

با توجه به این که سامان عرفی واحد مدیریت در مناطق روستایی و عشایری است. شکستن سامان‌های عرفی و برنامه‌های مدیریتی بدون توجه به این واحدها مشکلات خاص خود را در پی دارد. به نظر می‌رسد ارتقاء مدیریت در این واحدها (تشکیل تعاونی) چه به شکل افرازی و چه به شیوه مشاعی بهترین راه‌حل و گریز از مشکلات و مسائل خاص در منابع طبیعی است تا بتوان انگیزه مشارکتی مردم را در طرح‌های دولتی افزایش داد و آنها را ترغیب به شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی نمود و از دانش بومی مردم بخوبی بهره گرفته و در مدیریت منابع طبیعی بکار برد و به حفظ منابع طبیعی و توسعه پایدار و مدیریت بهینه منابع دست یافت. در غیر این صورت هیچ امیدی به پایداری منابع طبیعی نخواهد بود.

منابع مورد استفاده

احمدی، ا.، ۱۳۸۲. بررسی تأثیر شیوه‌های مدیریتی اعمال شده بر حفظ یا تخریب مراتع منطقه شوریک و حاجو- استان آذربایجان غربی، مجله تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۱۰ شماره ۴، ۴۷۱-۴۸۹.

ازکیا، م.، ۱۳۶۵. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۳۲۴ ص.

ازکیا، م.، ۱۳۷۸. ابعاد اجتماعی مؤثر بر حفظ یکپارچگی اراضی مرتعی با تأکید بر استان‌های فارس و کهگیلویه و بویر احمد، مجله جنگل و مرتع، شماره ۲۶، ۴۵-۳۹.

- Netting, R., 1976. What Alpine Peasants Have in Common. Observation on Communal Tenure in a Swiss Village? *Human Ecology*, 4-135-146pp.
- Oses-Eraso, N., and Viadrich-Grua, M., 2007a. Appropriation and concern for resource scarcity in the commons. An experimental study, *Ecological Economics*, 63- 435-445 pp.
- Oses-Eraso, N., and Viadrich-Grua, M., 2007b. On the Sustainability of Common Property Resources, *Journal of Environmental Economics and Management*, 53.P 393-410pp.
- Quinn, CH., Huby, M., Kiwasilla, H.C. and Lovett, J., 2007. Design principle and common pool resource management. An institutional approach to evaluating community management in semi-arid Tanzania. *Journal of Environmental Management* 84.100-113pp.
- Timah, E., Ajaga, N., Tita, D., Ntonga, L. and Bongsiysi, I., 2008. Survey Demographic Pressure and Natural Resource Conservation. *Ecological Economic*, 64, 475-483pp.
- Timah, E., Ajaga, N., Tita, D., Ntonga, L. and Bongsiysi, I., 2008. Survey Demographic Pressure and Natural Resource Conservation. *Ecological Economic*, 64, 475-483pp.
- Agrawal, A., 2001. Commons Resources and Institutional Sustainability. Department of Political Science, Yale University. Mimeo.
- Anwar, A., 2005. Unbalanced Rural and Regional Development. P4W Press. Bogor.
- Bromley, D.W., 1991. Environment and Economy Property Right and Publicly Oxford UK. Oxford University Press.
- Cousins, B., 2000. Tenure and common property resource in Africa. In. Tuolumne, C., Quan, J.F. Evolving land right, policy and tenure in Africa 151-180pp.
- Jun Li, W.H., Ali, S., and Zhang, Q., 2007. Property right and grassland degradation. A study of Xilingol Pasture, Inner Mongolia, China. *Journal of Environmental Management*, 461-470pp.
- Kissling-Naf, I., Volken, T., and Bisang, K., 2002. Common Property and Natural Resources in the Alps. the Decay of Management Structures? *Forest Policy and Economics*, 4. 135-147pp.
- Maggs, P., and Hoddinott, J., 1999. The Impact of Changes in Common Property Resource Management on Intrahousehold Allocation. *Journal of Public Economics*, 72.317-324pp.

Archive of SID

Study on Relationship between Ownership Type and Exploitation State In Summer Rangeland of Arak Township

Hosseininasab, M.¹, Barani, H.² and Dianati Tilaki, Gh.³

- 1*. Corresponding Author, M.Sc Graduated of Range Management, Faculty of Natural Resources and Marine Science in Nour, Tarbiat Modares University, Nour, Iran, E-mail: hosseininasab_ma@yahoo.com
2. Assistant professor, Department of Range and watershed Management, University of Natural Resources and Agriculture of Gorgan, Gorgan, Iran.
3. Assistant professor, Faculty of Natural Resources and Marine Science in Nour, Tarbiat Modarres University, Nour, Iran.

Received: 16.06.2009

Accepted: 03.03.2010

Abstract

Managing ranch units has been one of the important issues during the last decades in studying the rangeland of Iran. The most noticeable system for range management based on grazing licene is one of the three types of council, collective and private exploitation. One of the implementing methods concerning the balance between livestock and range and reduction of range degradation is the introduction of reasonable range utility units. The present study seeks to compare different ownership types with considering independent variables of rangeland condition, exploitation and the capability degree of collective and private ownership so as to introduce the most appropriate method for user's inclination and better quality. According to goals and assumptions, 105 questionnaires were completed through direct interview with exploiters (only those who owned grazing licene). The state of the rangeland in 41 sample ranges was calculated through 4 factories. The results showed the condition of private rangeland has been obtained to be better than the collective rangelands, however, no meaningful difference in rangelands management methods in this type of possession. Because of improper exploitation methods in this county, council exploitation is not suggested. Despite its probable weaknesses, the collective possession, because of its high partnership spirit among collective beneficiaries, by some conservatism can be more appropriate than other types and its deficiencies can be reduced by proper management and create the motivation of conserving natural resources by special programs among people. Regarding that the majority of ranges are commonly used, establishing cooperatives and giving the right of utilization to cooperatives is of priority based on the peoples' opinions.

Key words. Rangeland, exploitation condition, collective Property- Private Property, council property, cooperative